

وزیر اقتصاد:

**برنامه‌های حمایتی جدیدی برای صنایع آسیب دیده و خانوارهای کم درآمد در دستور کار است**



وزیر امور اقتصادی و دارایی در نشست مشترک با اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی گفت: برنامه‌های حمایتی جدیدی برای بازسازی صنایع آسیب‌دیده و حمایت از خانوارهای کم‌درآمد در دستور کار قرار دارد.

به گزارش اقتصادسراسرآمد، سیدعلی مدنی‌زاده در این نشست با بیان اینکه از ابتدای بروز شرایط جنگی، آمادگی لازم برای مدیریت اقتصاد کشور شکل گرفته بود، اظهار داشت: تمرکز اصلی بر تأمین و توزیع کالاهای اساسی، مدیریت تجارت و تسهیل ورود اقلام مورد نیاز به کشور قرار داشت و با تلاش مجموعه گمرک، شبکه بانکی، بیمه و سازمان امور مالیاتی، خدمات دولتی بدون وقفه ادامه یافت.

مدنی‌زاده وزیر امور اقتصادی و دارایی با تأکید بر اینکه جلوگیری از کمبود کالا در اولویت دولت قرار داشت، افزود: با وجود حمله به شبکه بانکی، حقوق کارکنان دولت ۱۰ روز زودتر پرداخت شد و در حوزه بیمه نیز با ارائه مشوق‌هایی، روند حمل کالا از بندر تسهیل شد. همچنین بورس کالا و صندوق‌ها فعال ماندند و تأمین مالی بنگاه‌ها ادامه یافت.

وزیر اقتصاد از اجرای تسهیلات حمایتی برای بنگاه‌های کوچک خبر داد و گفت: در سامانه «کات» بنگاه‌های زیر ۵۰ نفر مشروط به عدم تعدیل نیرو می‌توانند از تسهیلات ۲۲ میلیون تومانی بهره‌مند شوند که تاکنون ۴۰ هزار بنگاه در این طرح ثبت‌نام کرده‌اند.

وزیر امور اقتصادی و دارایی درباره برنامه‌های پیش‌رو اظهار داشت: بسته سیاستی حمایت از بازسازی صنایع بدوین شده است که بر اساس آن صنایع بزرگ از طریق تسهیلات ارزان‌قیمت، سرمایه‌گذاری و معافیت‌های مالیاتیسی حمایت می‌شوند. برای صنایع کوچک و متوسط نیز حمایت‌های مالیاتی، تأمین اجتماعی، کمک‌های بلاعوض و تسهیلات سرمایه‌در گردش پیش‌بینی شده است.

مدنی‌زاده وزیر امور اقتصادی و دارایی همچنین از اجرای طرح «افرا» برای حمایت از دهک‌های پایین خبر داد و گفت: در این طرح به هر خانوار ۳۰ میلیون تومان اعتبار با امکان بازپرداخت شش‌ماهه اختصاص می‌یابد. علاوه بر این، «صندوق بازسازی» با هدف حمایت از بنگاه‌ها و خانوارهای آسیب‌دیده و با تأمین منابع از مشارکت مردمی و سرمایه‌گذاری‌ها تشکیل خواهد شد که اجرای آن مستلزم تصویب دولت و مجلس است.

مدنی‌زاده وزیر امور اقتصادی و دارایی با اشاره به برنامه‌های لجستیکی دولت تصریح کرد: انتقال بخشی از واردات از بندر جنوبی به بندر شمالی و مرزهای زمینی در دستور کار قرار دارد و در کوتاه‌مدت تأمین کالاهای اساسی و مواد اولیه صنعتی در اولویت است. همچنین توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل جاده‌ای و ریلی در اولویت پرداخت‌های عمرانی قرار خواهد گرفت.

**اولویت بانک مرکزی تأمین ارز کالاهای اساسی و دارو است**



همتی گفت: تمام تلاشمان این است که دارو و کالای اسای از نظر تأمین ارز مشکلی نداشته باشند. به گزارش اقتصادسراسرآمد، عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به اقدامات این بانک برای تأمین ارز در شرایط کنونی کشور گفت: از همین امروز تأمین ارز را براساس دستورالعمل نحوه تخصیص ارز در سال ۱۴۰۵ آغاز خواهیم کرد.

همتی، رئیس کل بانک مرکزی گفت: اولویت نخست بانک مرکزی تأمین ارز کالاهای اساسی و داروی مردم و تمام تلاشمان این است که این بخش‌ها از نظر تأمین ارز مشکلی نداشته باشند.



**گروه تحلیل – مرتضی خدابخشی** – این روزها پرششی توسط یک تحلیلگر مصری مطرح شده که شاید بسیاری از ناظران اقتصادی از کنار آن به سادگی عبور کرده‌اند: چرا ایران تا این اندازه اصرار به دریافت عوارض از تنگه هرمز دارد؟ سامح عسکر، برخلاف جریان رایج که این اقدام را صرفاً یک موضع نمایشی یا نظامی تفسیر می‌کند، کلید فهم تازه‌ای به دست می‌دهد. عسکر در تحلیل خود، اصرار تهران را نه یک واکنش عصبانی، بلکه سه هدف اقتصادی مشخص و به هم پیوسته معرفی می‌کند: دریافت غرامت قابل توجه، بازیابی وجوه معادل دارایی‌های مسدودشده در بانک‌های غربی، و مهم‌تر از همه، وادار کردن آمریکا و متحدانش به لغو مؤثر تحریم‌های بانکی از طریق الزام جهان به تعامل مستقیم با سیستم مالی ایران. آنچه این تحلیل را حیاتی می‌سازد، نه صرفاً فهرست کردن این اهداف، بلکه درک او از روابط پنهان میان آن‌هاست. او نشان می‌دهد که ایران با یک ابتکار هوشمندانه، قصد دارد از یک شریان جغرافیایی تنگه هرمز به عنوان اهرمی برای بازتعریف کامل معادله تحریم استفاده کند.

به گزارش اقتصادسراسرآمد، مرتضی خدابخشی کارشناس ارشد علوم سیاسی در نوشتاری آورده است: در نگاه نخست، پرسش سامح عسکر، تحلیلگر مصری، درباره اصرار تهران بر دریافت عوارض از تنگه هرمز، پرششی کاملاً فنی به نظر می‌رسد. اما وقتی لایه‌های زیرین این اصرار را کنسار می‌زنیم، به معمای بزرگ‌تر برمی‌خوریم: چرا کشوری که تا دیروز از هر دریچه‌ای برای جذب سرمایه خارجی و مذاکره با غرب استفاده می‌کرد، امروز با این درجه از قاطعیت بر یک هزینه ترانزیتی بافشاری می‌کند؟ پاسخ در جایی نهفته است که کمتر به آن پرداخته شده: تنگه هرمز برای کارگزاران اقتصادی تهران دیگر فقط یک آبراه استراتژیک نیست، بلکه به سکوی برای بازتعریف مفهوم تحریم و غرامت تبدیل شده است. این گذرگاه باریک میان خلیج فارس و دریای عمان که روزانه نزدیک به یک‌پنجم نفت جهان از آن عبور می‌کند، حالا نقشی فراتر از یک شاهراه لجستیکی ایفا می‌کند. ایران در حال طراحی سیستمی است که در آن، هر کشتی تجاری یا نفتکشی برای عبور ایمن از این مسیر، ناگزیر به پرداخت وجوهی به بانک‌های ایرانی می‌شود؛ وجوهی که واشنگتن سال‌ها تلاش کرده هیچ تراکنشی به آنها راه پیدا نکند.

دقت کنید که اصرار ایران بسر دریافت این هزینه‌ها، برخلاف تصور رایج، یک اقدام ژاندارمری یا تهدیدآمیز صرف نیست، بلکه از دیدگاه حقوقی و اقتصادی، تلاشی برای بازگرداندن تعادل به تراز مالی یک کشور تحریم‌زده است. اولین و شاید مهم‌ترین لایه این معادله، موضوع غرامت است. خساراتی که تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا از سال ۲۰۱۸ به این سو بر پیکره اقتصاد ایران وارد کرده، فقط محدود به کاهش فروش نفت نبوده است. صنعت پتروشیمی، زنجیره بیمه دریایی، سیستم حمل‌ونقل بین‌المللی، تعمیر و نگهداری ناوگان تجاری و

یک کارشناس بازار سرمایه مطرح کرد:

## لزوم به‌روزرسانی دستورالعمل‌های بورسی در شرایط جنگی



وی افزود: قطعاً یک فشار عرضه را با توجه به اینکه نقدشدگی بازار دچار آسیب شده و سهامداران در بخش سهام چند ماهی‌ست که به سرمایه‌شان دسترسی نداشته‌اند این فشار فروش در آینده ایجاد خواهد شد. بخشی از صنایع ما هم در شرایط جنگی آسیب دیده‌اند و این صنایع هم وقتی بازگشایی شوند حتماً همراه با اصلاحات قیمتی خواهند بود. بنابراین در مسیر فعلی نمی‌توان انتظار داشت که بازگشایی دفعتی صورت گیرد، بلکه بازگشایی باید تدریجی و بر اساس شفاف‌سازی‌ها و شرایط واقعی بازار صورت گیرد.

این کارشناس بازار سرمایه درباره شیوه مدیریت بازار سرمایه توسط نهاد ناظر در دوران جنگ تصریح کرد: اگر بخوایم واقعیت‌ها را ببینیم و قضاوت کنیم عملاً نهاد ناظر بازار امکان و شرایط خاصی را برای اعمال نظر و اینکه بخواهد کار ویژه‌ای را انجام دهد نداشته و فعلاً هم ندارد. صندوق‌های درآمد ثابت و طلا و نقره حتی بسته بودن‌شان در چند روز ابتدایی جنگ نباید صورت می‌گرفت. یعنی درآمد ثابت‌ها برای این هستند که سرمایه‌گذار و دارنده یونیک‌ها ریسک خاصی شامل‌شان نشود و باید نقدشدگی را همیشه داشته باشند. صندوق‌های طلا و نقره و صندوق‌های کالایی در شرایط جنگی که ریسک‌ها بالاست می‌تواند بازدهی بیشتری را به واحدهای خودش برساند.

حسین‌نیا اضافه کرد: نهاد ناظر در مقطع فعلی تحت تأثیر تصمیم‌گیری‌های نهادهای بالادستی است و شاید دستورالعمل برای شرایط فعلی به روز نبوده و مطابق زمان فعلی به روز نشده است. امیدواریم در مقابلۀ آینده این اتفاق بیفتد. باید به روزرسانی دستورالعمل‌ها برای شرایط پریسک و حتی بدتر از این نیز صورت گیرد.

سرمآمد بررسی می‌کند؛

# واکاوی پرسش‌های بنیادین تحلیلگر مصری، درباره تنگه هرمز

## اهرم خاموش اقتصاد ایران برای بازنویسی قواعد تحریم مالی

یونانی حامل نفت عراق که مقصدش هلند است، از هرمز عبور کند. طبق قواعد جدید، پیش از عبور باید هزینه مشخصی را به حسابی که بانک مرکزی ایران اعلام کرده، واریز کند. حالا آمریکا با چه ابزاری می‌تواند مانع این تراکنش شود؟ بستن تنگه هرمز که برای خود آمریکا گران‌تر از ایران تمام می‌شود. تحریم شرکت یونانی؟ بله، اما این شرکت همان کشتی را می‌تواند به نام یک شرکت تابعه در سوئمالی ثبت کند. تهدید بیمه‌گران اروپایی؟ آن هم ممکن است، اما بازار بیمه‌های آسیایی یا روسی جایگزین‌هایی می‌سازند. خلاصه آنکه تحریم مالی زمانی مؤثر است که هیچ راه فراری از سیستم مالی تسلط‌یافته غرب نباشد. اما وقتی پای یک گذرگاه فیزیکی اجباری مثل هرمز در میان باشد، مسیر پول از مجرای بانک‌های ایرانی می‌گذرد، آن هم با اکراه ولی گریز ناپذیر. در این شرایط، نه فقط تحریم مالی تضعیف می‌شود، بلکه عملاً به شرط بودن تعامل با نظام بانکی ایران به یک هنجار ترانزیتی بدل می‌گردد.

این پدیده عواقب فراتر از محاسبات مستقیم اقتصادی دارد. سومین هدفی که تحلیلگر مصری به آن اشاره می‌کند، مجبور کردن آمریکا و متحدانش به لغو تحریم‌ها علیه بانک‌های ایرانی و سیستم مالی ایران است. در نگاه نخست، شاید باورکردنی نباشد که واشنگتن به خاطر چند میلیون دلار عوارض، از این سیاست تحریم مالی دست بردارد. اما واقعیت، پیچیده‌تر از این حرف‌هاست. وقتی چین، هند، ژاپن و کره جنوبی که همگی مصرف‌کنندگان اصلی نفت خلیج فارس هستند به ناچار از طریق بانک‌های ایرانی تسویه عوارض را انجام می‌دهند، این تراکنش‌ها در سیستم‌های نظارتی آمریکا ثبت می‌شود.

واشنگتن برای هر بار چشم‌پوشی از این تخلف‌های آشکار، هزینه سیاسی و حقوقی می‌پردازد. در درازمدت، تعداد این چشم‌پوشی‌ها اقتدر زیاد می‌شوند که یا قانون تحریم باید تغییر کند، یا آمریکا باید رسماً استثنای هرمز را در سیاست خارجی خود بگنجاند. آنچه تهران دنبال می‌کند، رسیدن به همان نقطه است: فهرستی از بانک‌های ایرانی که اگر چه نامشان در لیست تحریم‌های اولیه است، اما در عمل همه با آنها تعامل دارند. این دقیقاً همان چیزی است که کوبا یا ونزوئلا توانستند به دست آورند: عادی شدن تعامل مالی از طریق عقب‌گرداندن تحریم از راه عمل. اما این منظر، عوارض هرمز نه یک اقدام درآمدی، که یک ابتکار حقوقی و دیپلماتیک برای کوتاه کردن دست تحریم‌هاست.

اما اگر صرفاً از زایوه درآمدهای دولتی به قضیه نگاه کنیم، باز هم داستان جذابیت خود را از دست نمی‌دهد. تحلیلگر مصری در بخش دیگری از صحبت‌هایش به حق بیمه بودن این تنگه برای بازسازی زیرساخت‌های ایران اشاره دارد. اقتصاد ایران در دهه ۹۰ خورشیدی و پس از آن، ضربه‌های سنگینی از ناحیه فرسودگی شبکه حمل‌ونقل، ریلی، جاده‌ای، بندری و انرژی خورده است. نمونه بارز آن تصادف‌های مکرر جاده‌ای به دلیل نوسازی نشدن ناوگان، یا خاموشی‌های گسترده برق ناشی از کمبود سوخت نیروگاه‌هاست. تأمین مالی چنین پروژه‌هایی از طریق صندوق توسعه ملی یا بودجه عمومی با توجه به کسری مزمن، دشوار است. اما عوارض هرمز یک ویژگی طلایی دارد: برخلاف درآمد نفت که تحت تأثیر نوسان قیمت جهانی و تحریم فروش قرار می‌گیرد، ایسن عوارض یک جریان نقدی تقریباً مستقل و امن است. حجم تردد کشتی‌ها در هرمز رابطه مستقیمی با تجارت جهانی دارد، نه ناظر او یک یا کاخ سفید. به عبارت دیگر، تا وقتی که جهان به نفت و کالا نیاز دارد، کشتی‌ها از هرمز عبور خواهند کرد و تا وقتی که عبور می‌کنند، باید

برای کارگزاران اقتصادی ایران محسوب می‌شود. درجمع‌بندی این یادداشت، باید تأکید کرد که تحلیل سامح عسکر یک هشدار به غرب یا یک توصیه به جهان عرب نیست؛ بلکه یک تذکر صریح اقتصادی است: در دنیایی که تحریم‌های مالی کارایی خود را در برابر ابتکارات جغرافیایی از دست می‌دهند، کشورهایی مانند ایران در حال یادگیری این هنر هستند که از میراث طبیعی خود مثل یک تنگه هرمز به عنوان اهرمی برای خنثی‌سازی فشارهای فراملی استفاده کنند. برای یک محقق، جذابیت این داستان در آن است که نشان می‌دهد تحریم دیگر یک بازی یک‌طرفه نیست. ایران با خلاقانه‌ترین روش ممکن، یعنی دریافت عوارض از شریان اصلی انرژی جهان، نه فقط هزینه تحریم را کاهش داده، بلکه آن را به منبع درآمد پایدار تبدیل کرده است. امروز، شاید برخی این اصرار را زیاده‌خواهی یا ریسک‌بدانند، اما فردا ممکن است از آن به عنوان نقطه عطف سیاست اقتصاد مقاومتی یاد شود. هرمز دیگر فقط یک تنگه نیست؛ یک ایده اقتصادی است که مرزهای سنتی تحریم را پس زده است.

کارشناس پولی و بانکی مطرح کرد:

## جهاد اقتصادی بانک‌ها در جنگ رمضان



**بخشش جریمه التزام وام‌های خرد موجب شد تا به بانک‌ها زیان‌هایی وارد شود، اما بانک‌ها در حرکتی انقلابی این زیان را به جان خریدند.**

به گزارش اقتصادسراسرآمد، محمدرضا اکبری جور، با اشاره به اینکه هیچ کشور بزرگی را نمی‌توان یافت که در تاریخ خود جنگ‌های سخت و پرهزینه ندیده باشد، به اینها گفت: در واقع عبور از شرایط صعب و روزهای تلخ باعث قدرتمند شدن و ماندگاری آن کشورها شده است.

اکبری جور عنوان کرد: ایران عزیز ما هم از این امر مستثنا نیست. در دوران ما، در حافظه خود، نام ده‌ها حمله و تهاجم وحشیانه خارجی از مرزهای کشور را دارند. لیکن با حمایت و پشتیبانی از هم، این دوران به سلامتی طی شده است.

این کارشناس پولی و بانکی اظهار داشت: همین تجربه که در حمله خارجی، نمی‌توان دنبال خیری برای مردم بومی بود، باعث گردید که بیگانگان را همیشه بیگانه بدانیم.

وی افزود: تاریخ نشان داده که آمادگی بخش‌های حاکمیتی به همراه همراهی مردم موجب پیروزی در جنگ‌ها شده است. این کارشناس پولی و بانکی تصریح کرد: در جنگ رمضان، عملکرد بخش‌های مختلف همچون برق، آب، گاز، نظام بانکی و ... درخشان است.

اکبری جور گفت: در بخش نظام پولی کشور، تمهیدات اندیشیده شده مانند حفظ اطلاعات مشتریان، موجودی مانده حساب‌های آنان، ارائه خدمات بانکی در شرایط سخت جنگی و زیر حمله‌های هوایی دشمنان، برنامه‌های منظم شبکه بانک‌ها، ارائه راه حل جایگزین در پرداخت‌های الکترونیک، فعالیت حوزه‌های الکترونیک نظام بانکی با وجود حملات سنگین سایبری، همه و همه اقداماتی بودند که مجموعه بانکی کشور در این روزهای تلخ به خوبی از عهده آن برآمده است. وی خاطر نشان کرد: جا دارد از عزیزانی که با تقدیم جان‌های پاک خود، برای پایداری شبکه بانکی کشور، گام برداشتند، یاد شود و برای خانواده‌های آنان از ایزد پاک طلب صبر گردد. این کارشناس پولی و بانکی یاد آور شد: در دوران جنگ بانک مرکزی عملکرد مناسبی داشت و با این نامه‌ها خود توانست پایداری شبکه بانکی را حفظ کند تا امورات مالی مردم با چالش مواجه نشود، یکی از این موارد بخشش جریمه التزام وام‌های خرد و دومی لغو محدودیت‌های یک‌پارک برگشتی است.

اکبری جور در پایان تأکید کرد: نکته مهم این است که این نامه بخشش جریمه التزام وام‌های خرد موجب شد تا به بانک‌ها زیان‌هایی وارد شود، اما بانک‌ها در حرکتی انقلابی این زیان را به جان خریدند؛ بنابراین شاهد هستیم که بانک‌ها نیز در جنگ اخیر جهاد اقتصادی کرده‌اند.